



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۰۱

انجنیر نجیب الله داوری

نگاه کوتاه و گذرا به سیاست اصلاحات ارضی دولت خلقی بمناسبت 45 مین سالگرد کودتای ثور یا عقبگرد بزرگ تاریخی قسمت دوم

فرمان شماره شش شورای انقلابی دولت کودتایی:

به ارتباط اشتباه در توشیح و تطبیق فرمانهای شماره ۷ و ۸ شورای انقلابی رژیم کودتایی - نام نهاد جمهوری دموکراتیک افغانستان زیاد شنیده ایم. اما به ارتباط فرمان ۶ کمتر و یا حتی هیچ نشنیده ایم. این در حالیست که تعدادی از اعضای کمیته مرکزی و بوروی سیاسی ح.د.خ.ا در کتاب خاطرات شان هنوز و چهاردهه بعد از تراژدی ثور از توشیح فرمانهای مذکور منجمله از توشیح فرمان شماره ۶ دفاع و آنرا به نفع توده های محروم و تهیدست وانمود میکنند.

واقعیت اینست که سنت گرو گذاشتن خانه، زمین، باغ، آسیاب، پایکوب و غیره به نوعی چرخ های اقتصادی کشور ما را به حرکت میآورد. این در حالی بود که سیستم بانک و بانکداری در کشور ما آنقدر رشد نکرده بود که ضرورت های اقتصادی مردم را در موقع ضرورت با پرداخت قرضه رفع سازد. بناً اکثریت زمینداران از کوچک گرفته تا متوسط و بزرگ برای رفع مشکلات شان خصوصاً راه اندازی بزنس - تجارت، دوکان، مغازه، فابریکه، خرید موتر، ایجاد ترانسپورت و بلاخره رفع ضرورت های اقتصادی در مسایل شخصی چون عروسی، شربنی خوری، ختنه سوری، گاهی هم سوگواری و غیره - زمین زراعتی شانرا به گرو می گذاشتند تا رفع مشکل نمایند. اما توشیح فرمان شماره ۶ درست بمانند صاعقه بالای چرخه های اقتصاد ملی وارد و بسیاری این چرخ ها را در حالی از کار انداخت که در دراز مدت باعث کاهش رشد درآمد های ملی نیز گردید. همزمان آن جوان یا جوانانیکه برای مصارف عروسی تصمیم گرو کردن زمین شانرا داشتند، این امکان از نزدشان گرفته شد؛ در نتیجه جوانان آماده به عروسی مجبور بودند بخاطر برآورده ساختن خرج عروسی و بدست آوردن پول با قبول اجرای کار شاقه به خارج کشور خصوصاً به کشور همسایه یا ایران سفر کنند و چه بسا که بعضی ها از این سفر هرگز برنگشتند. حالا تصور کنید که اگر در بزرگترین کشورهای ثروتمند جهان چون ایالات متحده امریکا، کانادا، جاپان، آلمان، فرانسه، انگلستان، کوریای جنوبی و غیره بانک ها فعالیت های شانرا در امر داد و ستد خصوصاً پرداخت قرضه متوقف سازند. چه برسر وضعیت اقتصاد مردم و کشورهای مذکور خواهد آمد؟

بدون شک که تمام چرخ های حرکتی اقتصاد کشورهای مذکور متوقف و مردم کشور های مذکور به بحران و فاجعه بزرگ دست و گریبان خواهند شد.

اما در سرطان 1357 هجری خورشیدی سران پوک مغز - مغرور و تازه بقدرت رسیده حزب نام نهاد دموکراتیک خلق غرق در فلسفه پردازی های تیورین های روسی - اروپایی برگرفته از مکتب کمونیزم و سوسیالیزم با توشیح و اجرای فرمان های شماره ۶ - ۷ و ۸ عملاً فاجعه و بحران را در کشور ما - در حالی رقم زدند که پسلگد های فرمانهای مذکور در جریان سالهای آتی در بسیاری از مناطق افغانستان باعث دشمنی ها و کشتار های بیشتر شده و تا هنوز در میان مردم ما قربانی میگیرد.

با این هم بعضی اعضای بلند پایه، متوسط و پایین رتبه حزب دموکراتیک خلق هنوز یا چهار دهه بعد از توشیح فرمان مذکور، در مصاحبه ها و تحریر خاطرات شان توشیح و تطبیق فرمانهای شورای نام نهاد انقلابی دولت کودتایی را به نفع توده های زحمتکش طوری وانمود میکنند که گویا با توشیح فرمانهای ۶-۷ و ۸ شورای انقلابی - ظلم و

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غږه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

ستم طبقاتی از افغانستان برچیده شده و اینکشور به مرکز عدالت در دنیا میدل شد از جمله عبدالکریم میثاق عضو بوروی سیاسی حدخا - وزیر مالیه و شاروال کابل در زمان حاکمیت رژیم کودتا در صفحه 314 کتاب اش به ارتباط فرمان شماره ۶ چنین مینویسد:

{فرمان شما ره 6 در باره رهایی دهقانان و زحمتکشان از بار سنگین گروی و سود در سرطان 1357 صادر شد این فرمان حاوی آن بود که اگر قرض گیرنده بیش از سه سال قرضه سود را داده باشد دیگر مکلفیت ندارد که اصل قرضه را بپردازد. در کشور کسان نیازمند زیاد بودند که چندین و چند بار از اصل قرضه سود پرداخته و همه ساله علاوه بر اصل قرضه از سود هم سود پرداخته بودند، به خصوص این مناسبات ظالمانه در روستا ها و در میان دهقانان زحمتکش وجود داشت. و آنان از این مناسبات ظالمانه ستم کشیده و از طرف فیودال ها و ثروتمندان استثمار میشدند. بعضی از ثروتمندان زمینهای دهقانان فقیر و کم زمین را با حيله و نیرنگ بسیار با پول ناچیز تصاحب میکردند و این دهقانان سالها روی زمین خویش برای ثروتمندان و مالکان کار میکردند و ناگزیر تن به استثمار میدادند. دهقان مظلوم چون پول را مصرف کرده بود ناگزیر به همان پول ناچیز زمین اش را به ارباب خدانترس رها میکرد. این بود یک نمونه کوچک از ستمی که بر دهقانان فقیر و سایر ستم کشان و استثمار شدگان روا داشته میشد. فرمان شماره 6 زمینه قانونی رفع و دفع این بی عدالتی را مساعد کرد. پول های هنگفتی سود خوران و سود جویان که چندین و چند بار از قرضه های خود سود گرفته بودند و هنوز هم بار سنگین بر دوش سود دهندگان بخصوص دهقانان بود از میان رفت تنها در هزاره جات به موجب این فرمان در حدود چهار صد میلیون افغانی پول سود کوچی ها که در طی چندین سال بالای اهالی هزاره، سود بالای حساب شده بود لغو شد. اسناد این گونه سود خور ها و سود جویی ها از سراسر کشور برای نمونه و سند تاریخی به آرشیف ملی جمع آور شده بود. خدا کند که در طی سالهای جنگ تلف نشده باشد.}}

توجه کنید: «تنها در هزاره جات به موجب این فرمان در حدود چهار صد میلیون افغانی پول سود کوچی ها که در طی چندین سال بالای اهالی هزاره، سود بالای حساب شده بود لغو شد.»

پول سود کوچی ها؟ کوچی ای که نه سرمایه دار است، نه فیودال، نه زمیندار و نه هم استثمارگر. ناگفته پیداست که کوچی ها پرزحمت ترین شکل زندگی را در هرکجا در سطح جهان تجربه میکنند، که نه خانه دارند و نه هم کاشانه. بلکه همیشه سرگردان و نالان با صدها مشکل طاقت فرسای زندگی در گرما و سرما دست و گریبان اند. اما وقتیکه انسانها مغز شویی شده توان تفریق خوب را از بد و حق را از ناحق از دست بدهند- تعداد کم سواد در راه رسیدن به جنت دست به انتحار در میان مردم میزنند و تعدادی هم که خود را دانشمند، پروفیسرو نابغه وانمود میکنند؛ زحمتکش ترین انسانهای روی زمین را فیودال - سرمایه دار و استثمارگر حساب کرده و حتی سالها بعد از شکست انقلاب و کودتای کذایی ثور و سقوط سیستم اقتصادی کذایی تر بنام سوسیالیزم از نوع شوروی، قادر به درک حقایق جامعه و مردم شان نیستند.